

سعیده سیدکابلی در گفت وگو با «آرمان ملی»:

جهان بیشتر از همیشه به ادبیات نیاز دارد



آرمان ملی - محمد صابری: سعیده سادات سید کابلی (شاعر و مترجم) و فارغ التحصیل رشته مترجمی زبان فرانسه است. در سال های اخیر، شاهد انتشار ترجمه های او از زبان فرانسه در بازار کتاب کشورمان بوده ایم؛ آثاری چون «بدرد»، اثر آنتوان ژکو، «زندگی دوم او برابر» اثر گزگور پشان، «رز» اثر فرانک بوییسیس، «خدا حافظ سیلک و اشک های مادرم» از میشل لایز و «برادران غیرمنظره ی ما» اثر امین معلوف. تجربه ی سفر و مراودات ادبی اخیر این امکان را برایش ایجاد کرده که انجمنی را تحت عنوان «اوستا» در فرانسه دایز کند که یکی از اهداف بنیادین آن، معرفی آثار نویسندگان ایرانی به مخاطبان فرانسوی است. سیدکابلی که معتقد است تعامل فرهنگی بر پایه ی ادبیات می توان تجات بخش جهان پر تنش امروز باشد: «ادبیات شاید نتواند جنگ ها را متوقف کند، اما می تواند انسان ها را وادار کند یکدیگر را بفهمند.» با او گپ و گفتی را ترتیب دادیم که در ادامه می خوانید.

◀ در سال های اخیر فعالیت های شما شتاب چشمگیری گرفته است؛ از انتشار کتاب های ترجمه تا شعر، از دریافت جوایز بین المللی تا تأسیس یک انجمن فرهنگی در فرانسه. اگر بخواهید امروز خودتان را معرفی کنید، چه خواهید گفت؟
فکر می کنم دیگر نمی توانم خودم را فقط «مترجم» یا فقط «شاعر» معرفی کنم. امروز بیش از هر چیز، خودم را یک میناجی فرهنگی می دانم؛ کسی که تلاش می کند میان دو زبان، دو ادبیات و دو جهان پلی بسازد. سال هاست که ادبیات فرانسه را به فارسی ترجمه می کنم، اما در این مسیر متوجه شدم که جریان ارتباط باید دوطرفه باشد. همان قدر که مخاطب فارسی زبان باید با شعر و ادبیات معاصر فرانسه آشنا شود، مخاطب فرانسوی هم حق دارد ادبیات امروز ایران را بشناسد. همه فعالیت های اخیرم، از ترجمه و شعر گرفته تا تأسیس انجمن «اوستا»، در همین مسیر تعریف می شوند.

◀ سال ۲۰۲۵ برای شما سال بسیار مهمی بود. یکی از اتفاق های شاخص، انتشار آنتولوژی «در آن نفس» بود. این پروژه چگونه شکل گرفت؟

«در آن نفس» برای من فقط یک کتاب نبود؛ یک تجربه فرهنگی بود. این مجموعه با همکاری خانه شعر پاریس شکل گرفت و تلاش کردم شعرهای شاعران ایرانی و فرانسوی را در کنار یکدیگر قرار دهم؛ نه برای مقایسه، بلکه برای گفت وگو. جمع آوری آثار، انتخاب شاعران، هماهنگی ها و ترجمه ها را خودم انجام دادم. مهم بود که خواننده فرانسوی و ایرانی هنگام ورق زدن کتاب احساس کند دو زبان، دو اقلیم و دو فرهنگ می توانند کنار هم نفس بکشند. شاید زیباترین اتفاق این بود که همین مجموعه در دسامبر ۲۰۲۵ موفق به دریافت جایزه ترجمه خانه شعر شد. برای من این جایزه، بیش از آنکه یک موفقیت شخصی باشد، نشانه ای بود از اینکه ترجمه هنوز می تواند میان فرهنگ ها رابطه ای زنده ایجاد کند.

◀ چند ماه بعد، اولین مجموعه شعر دو زبانه تان نیز در فرانسه منتشر شد. انتشار «من، خود سفرم» چه احساسی داشت؟

این کتاب برای من بسیار شخصی است. سال ها بود که شعر می نوشتم اما همیشه بیشتر به عنوان مترجم شناخته می شدم. «من، خود سفرم» حاصل سال ها زندگی میان ایران، فرانسه، سوئیس، بلژیک و امارات است. در این کتاب، سفر فقط جابه جایی جغرافیایی نیست؛ سفر در زمان، هویت، خاطره و حتی سکوت است. اینکه کتاب در پاریس، توسط انتشارات La Rumeur Libre منتشر شد و بعد در بازار شعر پاریس معرفی شد و با استقبال مخاطبان روبه رو شد، برایم تجربه ای فراموش نشدنی بود؛ چون احساس کردم شعر فارسی هم می تواند در فضای ادبی فرانسه شنیده شود.

◀ شما در کنار فعالیت ادبی، انجمن «اوستا» را هم راه اندازی کرده اید. چرا

احساس کردید به چنین انجمنی نیاز است؟

سال ها در رفت و آمد میان ایران و کشورهای فرانسه زبان بودم. همیشه احساس می کردم افراد بسیار ارزشمندی در هر دو سوی این ارتباط حضور دارند، اما کمتر فرصت آشنایی با یکدیگر را پیدا می کنند. «اوستا» از همین احساس متولد شد. هدف انجمن فقط برگزاری نشست یا شب شعر نیست. ما می خواهیم شاعران، نویسندگان، مترجمان، ناشران، هنرمندان و حتی مخاطبان ادبیات را به هم نزدیک کنیم. ترجمه، انتشار کتاب، نشست های ادبی، کارگاه های آموزشی، گفت وگوهای بینا فرهنگی و معرفی نویسندگان فارسی زبان در فرانسه، بخشی از برنامه هایی است که آغاز کرده ایم و در آینده بسیار گسترده تر خواهد شد.

◀ بسیاری شما را مترجم ادبیات معاصر فرانسه می شناسند. در انتخاب آثار چه معیاری دارید؟

اولین معیار برای من کیفیت ادبی است. دنبال کتابی نیستم که صرفاً پر فروش باشد. به آثاری علاقه دارم که بتوانند انسان امروز را بهتر بشناسند؛ کتاب هایی که لایه های عمیق تری از زندگی، تنهایی، عشق، مهاجرت یا هویت را روایت می کنند. در شعر هم همین نگاه را دارم. ترجمه برای من انتقال واژه ها نیست؛ انتقال جهان یک نویسنده است.

◀ سال های اخیر جوایز و بورسیه های متعددی از نهاد های فرهنگی فرانسه و سوئیس دریافت کرده اید. این حمایت ها چه تأثیری بر مسیر حرفه ای شما گذاشته است؟

بدون تردید این حمایت ها بسیار مهم بوده اند. اما مهم تر از خود حمایت مالی،

شش ثانیه برای تماشای جهان

خوانشی روایت شناختی از جهان داستانی «سور و سوگ»؛ از اقلیم تا تنهایی انسان معاصر



ایه اسماعیلی

نویسنده و منتقد

«شش ثانیه برای تماشای جهان»؛ عبارتی که «رضاملکیان» در یکی از داستان های پایانی مجموعه داستانی «سور و سوگ» به کار می گیرد، فقط عنوانی شاعرانه نیست. بلکه می تواند کلیدی برای ورود به جهان داستانی سور و سوگ باشد. سور و سوگ از آن دسته مجموعه هایی است که در برابر دسته بندی های ساده ادبی مقاومت می کند. نمی توان آن را به تمامی در قلمرو داستان مدرن قرار داد و نه می توان همه داستان های آن را ذیل تجربه های پست مدرن خواند. ویژگی قابل توجه مجموعه، حرکت آگاهانه میان این دو حوزه روایی است؛ جایی که نویسنده از یک سو به سنت داستان مدرن، با تأکید بر روان شناسی شخصیت، بحران درونی و تجربه زیسته انسان، وفادار می ماند و از سوی دیگر، در برخی داستان ها با بهره گیری از امکانات روایت پست مدرن، خود فرایند روایت کردن را به موضوعی قابل تأمل تبدیل می کند. از منظر روایت شناسی، تفاوت میان داستان های این مجموعه صرفاً به مضمون یا فضا نیست؛ بلکه محدود نمی شود؛ به سطح ساختار روایی، شیوه توزیع اطلاعات، زاویه دید و رابطه میان راوی، شخصیت و مخاطب نیز قابل مشاهده است. در برخی داستان ها، نویسنده از شیوه های نزدیک به روایت مدرن بهره می گیرد؛ روایتی که در آن، جهان بیرونی اغلب از خلال ذهنیت شخصیت، با خطرات و ادراکات فردی آنها بازسازی می شود. در اینجا، رخدادهای بیرونی اهمیت خود را از دست نمی دهد، اما معنای آن در فرایند ادراک شخصیت شکل می گیرد. داستان هایی مانند «سور و سوگ» و «خاک، خاک پذیرنده»، «در خانه منوچهر فرخی»، «ناستازیا» و «گور خانوادگی» را می توان در این طیف قرار داد. این داستان ها بیش از آنکه بر بازی های فرمی یا شکست قراردادهای روایت استوار باشند، بر بحران های درونی انسان، حافظه، فقدان، روابط انسانی و مواجهه شخصیت با جهان پیرامون تمرکز دارند. شخصیت ها در این داستان ها اغلب درگیر موقعیت هایی هستند که مسئله اصلی آنها نه یک کشش بیرونی، بلکه مواجهه با خوشتن است؛ مواجهه ای که از ویژگی های مهم داستان مدرن به شمار می رود. در این داستان ها، مفهوم کانونی سازی اهمیت پیدا می کند؛ یعنی اینکه روایت جهان را از چه منظر و از چه زاویه ادراکی به خواننده نشان می دهد. همین را سبب می شود بسیاری از روایت ها بیش از آنکه درباره «آنچه اتفاق افتاده» باشند، درباره «چگونگی تجربه شدن آن اتفاق» هستند. با این حال، در کنار این جریان مدرن، بخش دیگری از مجموعه به تجربه های روایی متفاوتی گرایش پیدا

می کند. داستان هایی مانند «تریلوی سکوت؛ قطعه اول»، «تریلوی سکوت؛ قطعه دوم»، «تریلوی سکوت؛ قطعه سوم»، «عطسه» و «شش»، بیشتر به سمت تجربه گرایی فرمی حرکت می کنند. در این داستان ها، فرم تنها وسیله انتقال محتوا نیست؛ بلکه خود به یکی از موضوعات اصلی روایت تبدیل می شود. سگانه «تریلوی سکوت» و همچنین «عطسه» را می توان از منظر متافیکشن بررسی کرد؛ روایتی که از ساختگی بودن خود آگاه است و گاه فرایند تولید داستان را نیز درون داستان بازتاب می دهد. از همین منظر، برخی بخش های مجموعه را می توان با مفهوم شکستن دیوار چهارم نیز مرتبط دانست؛ جایی که فاصله میان جهان داستان و جهان مخاطب کاهش می یابد و متن به شکل مستقیم تر نسبت خود را با خواننده آشکار می کند. این ویژگی، به ویژه در داستان هایی که نویسنده یا راوی مرزهای معمول روایت را جابه جا می کنند، اهمیت بیشتری پیدا می کند. با وجود این تفاوت های فرمی، آنچه میان داستان های مجموعه پیوند ایجاد می کند، نه شباهت ظاهری آن ها، بلکه یک هسته معنایی مشترک است؛ هسته ای که دلایه زیرین همه این تجربه های روایی جریان دارد و در بخش های بعدی می توان آن را رد نسبت با اقلیم، زبان، فلسفه و زیرمتن مشترک داستان ها بررسی کرد.

◀ زبان، جغرافیا و زیرمتن تنهایی

اگر ساختار روایی سور و سوگ از منظر فرم میان مدرنیسم و تجربه های پست مدرن در حرکت است، هویت زبانی و جهان تصویری آن، عمیقاً در ادبیات اقلیمی ریشه دارد. با این حال، اقلیم در این مجموعه صرفاً به معنای حضور چند نشانه بومی یا بازتابی یک جغرافیای خاص نیست؛ بلکه به بخشی از نظام معنایی اثر تبدیل می شود. مانزدان در این داستان ها تنها محل وقوع رخدادها نیست؛ بلکه نوعی حافظه جمعی است که در زبان، اشیاء، طبیعت و شیوه زیستن شخصیت ها حضور دارد.

در دو داستان «سور و سوگ» و «خاک، خاک پذیرنده»، این وجه اقلیمی بیش از دیگر داستان ها آشکار است. نویسنده از عناصر بومی نه برای ایجاد فضایی تزئینی، بلکه برای ساختن جهان داستان استفاده می کند. واژگانی مانند شلاب، هیمه، شالیزار، مرز، فتر، نیزار، درمون، چرم وزرا، تشلاک، وگ، داروک، درخت پرتقال، نشا و دروی شالی صرفاً واژه های محلی نیستند؛ هر کدام حامل ب بخشی از تجربه تاریخی و فرهنگی یک زیست بوم اند. در اینجا زبان نقش یک آرشیف فرهنگی را ایفا می کند. زبان نویسنده نیز متناسب با این جهان، در بسیاری از بخش ها از سطح روایت گزارشی فاصله می گیرد و به سو ی تصویرپردازی شاعرانه حرکت می کند. این شاعرانگی اما از جنس تزئین زبانی نیست. جمله هایی مانند «جمعیت کوچه کرد» یا تصویر «دستان هر دوزن، رگ کرده،



اعتماد نهاد های فرهنگی است. وقتی بنیاد ها و مؤسسات معتبر از پروژه ای حمایت می کنند، در واقع به آن پروژه اعتبار می بخشند و مسیر ارتباط با نویسندگان، ناشران و مؤسسات دیگر هموارتر می شود. این اعتماد مسئولیت م را هم بیشتر کرده است.

◀ امروز بیشترین دغدغه شما چیست؟

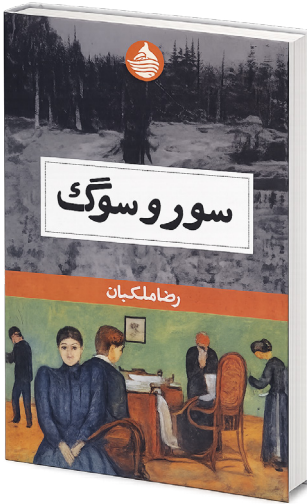
ایجاد یک جریان پایدار. دوست ندارم فعالیت هایم به انتشار چند کتاب محدود شود. می خوام شبکه ای شکل بگیرد که سال ها بعد هم به معرفی ادبیات فارسی در جهان فرانسه زبان و معرفی ادبیات فرانسه به فارسی زبانان ادامه دهد. اگر روزی بگویند «اوستا» توانسته چند نویسنده، شاعر یا مترجم را به هم معرفی کند و باعث خلق پروژه های مشترک شده است، احساس می کنم به هدفم نزدیک شده ام.

◀ فکر می کنید امروز ادبیات چه نقشی در جهان پر تنش ما دارد؟

بیش از همیشه نقش دارد. ادبیات شاید نتواند جنگ ها را متوقف کند، اما می تواند انسان ها را وادار کند یکدیگر را بفهمند. وقتی شعری از فارسی به فرانسه ترجمه می شود یا زمانی از فرانسه به فارسی، فقط کلمات جابه جانی می شوند؛ تجربه های انسانی سفر می کنند. و شاید جهان امروز بیش از هر زمان دیگری به همین سفرها نیاز دارد.

◀ و در پایان، آینده را چگونه می بینید؟

صادقانه بگویم، احساس می کنم تازه در ابتدای راه هستم. پروژه های متعددی در دست اجرا دارم؛ از فیلم مستندی درباره نویسنده سوئیس میشل لاینا تا پروژه های تازه ترجمه، انتشار آثار جدید. گسترش فعالیت های انجمن «اوستا» و طراحی برنامه هایی برای گفت وگوی فرهنگی میان فارسی زبانان و فرانسه زبانان، امیدوارم هر قدمی که برمی دارم، سهم کوچکی در نزدیک تر شدن این دو جهان ادبی داشته باشد. اگر شعر بتواند پلی بسازد و ترجمه بتواند آن پل را استوارتر کند، احساس می کنم مسیر درستی را انتخاب کرده ام.



نهایی که نمونه برجسته تاریخی آن را می توان در داستان های ادگار آلن پو و پس از او در بسیاری از روایت های معمایی و روان شناختی مشاهده کرد. در این داستان ها، پایان نقش یک چرخش معنایی را بر عهده دارد؛ اطلاعاتی که تا پایان پنهان مانده اند، ناگهان در جای درست خود قرار می گیرند و چشم انداز خواننده نسبت به کل روایت تغییر می کند.

◀ متن به مثابه امکان تفسیر

یکی از ویژگی های مهم سور و سوگ، اعتماد نویسنده به خواننده است. متن اغلب از توضیح مستقیم فاصله می گیرد و بسیاری از معناها را در سطح زیرین خود نگه می دارد. این ویژگی، مجموعه را به مفهوم اثر گشوده در اندیشه امبرتو اکو نزدیک می کند؛ اثری که معنای خود را به یک تفسیر نهایی محدود نمی کند و امکان خوانش های متعدد را برای مخاطب حفظ می دهد. در چنین متنی، خواننده صرفاً دریافت کننده معنا نیست؛ بلکه در فرایند ساخت معنا مشارکت دارد. این همان چیزی است که نظریه پردازانی مانند ولفگانگ آیزر در مفهوم خواننده ضمنی بر آن تأکید می کنند؛ خواننده ای که باید شکاف های متن را پر کند، نشانه ها را کنار هم قرار دهد و از سطح روایت به لایه های زیرین آن برسد. از این منظر، برخی ابهام ها مجموعه نه ضعف روایی، بلکه بخشی از استراتژی نویسنده اند. سکوت ها، حشف ها و ناگفته ها، فضای تفسیری ایجاد می کنند و مخاطب را به مشارکت فعال فرامی خوانند.

◀ میان سکوت و معنا

شاید مهم ترین دستاورد سور و سوگ حرکت میان امر محلی و امر جهانی باشد. نویسنده از یک جغرافیای مشخص آغاز می کند، اما دغدغه های او محدود به آن جغرافیا باقی نمی ماند. تجربه انسانی که فارغ از مرزهای جغرافیایی، همچنان با پرسش های بنیادین زیستن مواجه است. و شاید همین جاست که عنوان «شش ثانیه برای تماشای جهان» معنای کامل تری پیدا می کند. سور و سوگ دعوت به مکث است؛ مکثی میان روایت و سکوت، میان خاطره و اکنون، میان معنا و بی معنایی؛ مکثی برای تماشای جهان، پیش از آنکه دوباره از کنار آن عبور کنیم.

هوش مصنوعی و تحولات در صنعت چاپ



بابک عابدین

رئیس اتحادیه چاپخانه داران تهران

یکی از مهم ترین مباحث روز در حوزه تجارت، صنعت و تولید در جهان، پدیده هوش مصنوعی (AI) است؛ فناوری بی نظیری که به سرعت در حال تغییر شیوه های مدیریت، تولید، تصمیم گیری، بازاریابی و رقابت در صنایع مختلف است. به واقع، تنها پدیده ای که می توان از نظر میزان اثرگذاری با هوش مصنوعی مقایسه کرد، ظهور اینترنت و انقلاب دات کام در دهه پایانی قرن بیستم است. با این تفاوت که هوش مصنوعی می تواند تأثیری به مراتب گسترده تر، عمیق تر و سریع تر بر اقتصاد، صنعت و زندگی بشر داشته باشد. امروز دیگر این موضوع یک انتخاب نیست، اگر نتوانیم بر موج این تحول بزرگ سوار شویم و آن را رد خدمت توسعه کسب و کارهای خود قرار دهیم، ناگزیر در برابر امواج کوبنده آن عقب خواهیم ماند و قدرت رقابت خود را از دست خواهیم داد. بررسی های صنعتی و گزارش های بین المللی نشان می دهد که کاربرد هوش مصنوعی در صنعت چاپ و بسته بندی از مرحله آزمایش و بررسی عبور کرده و وارد فاز بهره برداری عملیاتی شده است. امروزه از این فناوری در حوزه هایی نظیر برآورد و قیمت گذاری، برنامه ریزی و زمان بندی تولید، نگهداری و تعمیرات پیش گیرانه، اتوماسیون گردش کار، تبلیغات و بازاریابی، یکپارچه سازی سیستم های ERP، کنترل کیفیت، مدیریت زنجیره تامین، تحلیل بازار و خدمات مشتریان استفاده می شود. در عین حال، یکی از مهم ترین حوزه هایی که هوش مصنوعی در آن تحول چشمگیری ایجاد کرده، طراحی گرافیک و توسعه ایده های خلاقانه است. برخلاف تصور برخی افراد، هوش مصنوعی جایگزین طراحان خلاق نخواهد شد، بلکه به ابزاری قدرتمند برای پرورش ایده ها، توسعه مفاهیم بصری، تولید نمونه های اولیه، طراحی بسته بندی، خلق تصاویر تبلیغاتی و افزایش سرعت و کیفیت فرایند طراحی تبدیل شده است. نسل جدید نرم افزارهای مبتنی بر هوش مصنوعی می تواند به طراحان کمک کند تا در مدت زمانی بسیار کوتاه تر، گزینه های متعدد طراحی را بررسی کرده و ایده های خود را به سطحی بالاتر از خلاقیت و نوآوری برسانند. با این حال، بزرگ ترین چالش پیش روی صنایع دیگر صرفاً دسترسی به فناوری نیست؛ بلکه آشنایی با ظرفیت های واقعی هوش مصنوعی، دانش پیاده سازی، آموزش نیروی انسانی، تدوین استراتژی های کاربردی و آمادگی مدیران برای پذیرش این تحول زیر بنایی است. در این راستا، پرسش های مهمی در ذهن بسیاری از مدیران و فعالان صنعت چاپ و بسته بندی مطرح است:

- هوش مصنوعی واقعاً چیست و چه تعریفی دارد؟
- هوش مصنوعی چه چیزهایی نیست و چه انتظارات نادرستی از آن وجود دارد؟
- مهم ترین روندها و تحولات جهانی در حوزه هوش مصنوعی کدام اند؟

- صنایع تولیدی پیشرو چگونه از هوش مصنوعی برای افزایش بهره وری، کاهش هزینه ها و توسعه بازار استفاده می کنند؟

- هوش مصنوعی چه تأثیری بر طراحی گرافیک، بسته بندی، برندینگ و ارتباطات بصری خواهد داشت؟
- چگونه می توان هوش مصنوعی را در فرایندهای چاپ، بسته بندی، فروش و بازاریابی به کار گرفت؟

- صنعت چاپ و بسته بندی ایران چگونه می تواند از این فرصت برای افزایش رقابت پذیری، توسعه صادرات و خلق ارزش افزوده بیشتر بهره مند شود؟

و شاید مهم ترین سوال این باشد که اگر امروز تصمیم به استفاده از هوش مصنوعی بگیریم، فردا صبح از کجا باید شروع کنیم و اولین نتایج ملموس آن در کسب و کار من چه خواهد بود؟ پاسخ به این پرسش ها می تواند مسیر حرکت صنعت چاپ و بسته بندی کشور را در مواجهه با یکی از بزرگ ترین تحولات فناورانه تاریخ بشر روشن تر سازد؛ تحولی که بدون تردید آینده کسب و کارها را در دهه های پیش رو تحت تأثیر جدی قرار خواهد داد.

گزارش

نمایشگاه کتاب ۱۴۰۵ برگزار می شود؟

نشست شورای سیاست گذاری سی و هفتمین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران با محوریت تعیین تکلیف ابعاد اجرایی این رویداد در معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار شد. در این نشست اعضا به واکاوی روند تصمیم گیری های پیشین پرداختند. به گزارش ایسنا به نقل از روابط عمومی معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، پیش از این و در نشست هفته پایانی فروردین ماه، با توجه به شرایط ویژه کشور، اختلال در فعالیت برخی واحدهای نشر و محدودیت های ناشی از فضای جنگ تحمیلی که امکان برنامه ریزی فیزیکی را از ناشران سلب کرده بود؛ با تصمیم محسن جوادی - معاون امور فرهنگی و رئیس نمایشگاه - مقرر شد، هفتمین دوره نمایشگاه مجازی کتاب تهران در اردیبهشت ماه برگزار شود؛ ویکردی که با هدف حمایت از «تاب آوری صنعت نشر» اتخاذ شد. در این جلسه اعلام شد که معاونت امور فرهنگی و مؤسسه خانه کتاب و ادبیات ایران پیگیر برگزاری نمایشگاه حضوری در سال ۱۴۰۵ هستند. همچنین چهار سازوکار راهبردی به منظور هم فکری اعضا و پیش بینی مسیر آینده مطرح شد که نخست، برگزاری حضوری نمایشگاه (به همراه پیوست مجازی) در بازه زمانی مهر یا آبان ماه، مشروط به مساعد شدن شرایط کلان بود. دومین سازوکار، برگزاری مجدد نمایشگاه مجازی، هم زمان با هفته کتاب، در صورت عدم امکان برپایی نمایشگاه فیزیکی بود. سومین طرح، پیاده سازی مدل ترکیبی نام داشت؛ به این شکل که در صورت فراهم شدن امکانات محدود برای بخش های حضوری از این روش استفاده شود؛ در آخر نیز درباره برگزاری نمایشگاه با تمرکز بر مخاطبان دانشگاهی و حوزوی صحبت شد.